

## پیشنویس قطعنامه کنگره هفتم در تشریح مواضع سازمان درباره ضرورت وحدت های حزبی وجبهه ای

نظریه اینک:

۱. نظام سرمایه داری ایران ورژیم سیاسی مذهبی و سرکوبگر و ارتجاعی آن تا به امروز بحرانهای اقتصادی و سیاسی متعددی را پشت سر نهاده است. بحرانهایی که میتوانست تغییرات تعیین کننده ای در مبارزه طبقات اجتماعی و توازن قوا و پیشروی و پیروزی جنبشهای اجتماعی و انقلابی ایران ایجاد کند. اما بنا بدلائل مختلف از جمله نبود تشکل و تحزب و ساختار مناسبی که این جنبشهای اجتماعی و طبقاتی را زیر چتر خود متحد کرده و هدایت کند. این بحرانها با سرکوب شدید و بی رحمانه طبقه حاکم رفع و رجوع شده اند. این بحرانها دریامد خود علاوه بر تشدید جدال بین طبقه حاکم، گسترش مبارزات کارگران، زحمتکشان، زنان و جوانان جامعه را نیز در پی داشته است و بویژه بعد از خیزشهای توده ای ۹۶ و ۹۸ و گسترش اعتصابات کارگری، این مبارزات وارد فاز جدیدی شده است.
۲. با تشدید بحران اقتصادی و سیاسی و تعمیق شکاف طبقاتی، مبارزه طبقه کارگر و زحمتکشان بر علیه ستم و استثمار و زور و سرکوب، مبارزه بر علیه تبعیضات جنسی، ملی، مذهبی و مبارزه علیه تخریب محیط زیست و مبارزه برای رهایی زنان و کسب آزادیهای سیاسی و حقوق فردی و اجتماعی تشدید خواهد شد و در چشم انداز، گسترش اعتصابات سراسری و خیزشهای توده ای محتمل است.
۳. اما تجربه اعتصابات کارگری و خیزشهای انقلابی توده ای خودانگیخته و بدون برنامه و رهبری انقلابی در کشورهای مختلف منطقه و از جمله در ایران نشان داده است که طبقه حاکم با سرکوب و نیرنگ قادر است این خیزشهای انقلابی و توده ای را سرکوب و موقتا به بحرانهای خود مهار بندد. از سوی دیگر در چنین شرایطی از ناتوانی طبقه کارگر و متحدین زحمتکش آن در هدایت تحولات انقلابی به سمت تغییرات بنیادی در ساختار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه، و متناسب روند روبه زوال قدرت سیاسی مستقر، گرایشات بورژوائی، ناسیونالیستی، شوونیستی و مذهبی نیز بدیل های مختلف خود را روبه طبقه کارگر و جامعه معترض اعلام میکنند و هر کدام به فراخور خویش با حمایت و پشتیبانی مادی و معنوی قدرتهای امپریالیستی که در پی تامین منافع خود در ایران و منطقه هستند، تلاش میکنند مبارزات کارگران و زحمتکشان را در سمت اهداف خود کانالیزه کرده و دست آوردهای آنان را مصادره بمطلوب بنمایند.
۴. سازمان ما بر اساس اسناد برنامه ای خود و تحلیل مشخص از شرایط موجود و با جمع بندی از تجربیات گذشته و سطوح و اشکال مبارزات جاری معتقد است که طبقه کارگر بدون ستاد رزمنده ای از پیشگامان خود از یکسو و متحد کردن همه زحمتکشان حول جبهه ای انقلابی از سوی دیگر قادر به پیشروی و پیروزی نهائی نخواهد بود.

- سازمان ما که همواره بر ضرورت اتحادهای اجتماعی در مبارزه علیه نظام سرمایه داری و بویژه رژیم ارتجاعی و سرکوبگر جمهوری اسلامی تاکید داشته و در این راه کوشش های فراوانی کرده است. در شرایط حساس کنونی بار دیگر بر ضرورت مبرم اتحاد پیشگامان طبقه کارگر از یکسو و تلاش جهت سازمانیابی جنبشهای اجتماعی در یک جبهه انقلابی از سوی دیگر تاکید میکند

تکرار می کنیم که:

الف: سازمان اتحاد فداییان کمونیست برای فائق آمدن بر پراکندگی و تفرق میان کمونیستها علاقمند به آغاز بحث ها با هدف اتحاد تشکیلاتی و حزبی با هر حزب یا سازمانی است که مواضع نظری و سیاسی خود را به سازمان ما نزدیک می بینند. هر جریانی که این اتحادهای حزبی تشکیلاتی را در شرایط کنونی قدمی به جلو و به نفع جنبش طبقه کارگر و چپ ایران میداند ما از آن استقبال میکنیم. این اتحادهای حزبی بیشک قدمی است ضرور در رفع پراکندگی جنبش کمونیستی و اقدامی است در راستای ارتباط ارگانیک با طبقه کارگر و تشکیل حزب انقلابی آن.

علاوه بر این: در شرایطی که جامعه در غلیان است و جنبش روبه اعتلاء و تشکل حزبی دارای ارتباط ارگانیک با طبقه کارگر و زحمتکشان در دست

ب: ما جبهه انقلابی واحد با ساختار معین یا هر تعداد از احزاب، سازمانها، تشکلهای، نهادها و اشخاص که ایجاد چنین جبهه ای را ضروری میدانند، را الیترناتیو منطقی برای متحد شدن نیروهای پراکنده جنبش

های اجتماعی و چپ انقلابی برای شرکت موثر و عملی در مبارزات جاری در شرایط کنونی میدانیم . در شرایط حساس کنونی برای متحد شدن سازمانها، افراد، تشکلهای مختلف کارگران، زنان، بازنشستگان، پرستاران، دانشجویان، کشاورزان و هنرمندان و غیره در چنین جبهه ای را ضروری میدانیم. روشن است که علاوه بر پلاتفرم مشترک منطبق بر نیازهای جنبش، ساختار چنین جبهه ای هم از جمله مباحث و توافقات خواهد بود . یک ساختار مناسب برای یک جبهه که فراتر از اتحاد عمل است ولی با اتحاد تشکیلاتی و حزبی فاصله دارد).<sup>۱۱</sup>

هدف تلاش برای متحد شدن جنبشهای اجتماعی گوناگون با جهتگیری ضد سرمایه داری است که هم اکنون در صحنه مبارزه حضور دارند. یاری رساندن به شکلگیری جبهه متحد انقلابی است که تمام جنبشهای توده زحمتکش مردم رازیتر خود گردآورد و مبارزه برای سرنگونی انقلابی رژیم حاکم در راستای ایجاد تغییرات بنیادی در ساختار اقتصادی و اجتماعی ایران مبتنی بر شوراهای سازمان دهد و هدایت کند و گفتن ندارد که طبقه کارگر قدرتمند ایران نیروی هژمون چنین جبهه ای خواهد بود و تاکنون نیز نشان داده است که چنین است. طبقه کارگری که با گردآوری متحدین خود در مبارزات جاری علیه رژیم سرکوبگر حاکم به فضا و امکانات لازم برای فائق آمدن بر ضعفهای خود، نظیر تشکل و تحزب، استقلال طبقاتی و ارتقاء آگاهی سوسیالیستی... نیز دست خواهد یافت.

بنظر ما تنها با تحلیل مشخص از شرایط مشخص و درگیر شدن در مبارزات طبقه کارگر و زحمتکشانشان در عرصه ها و اشکال مختلف است که میتوان به همه گیر شدن گفتمان سوسیالیستی و پیروزی طبقه کارگر در جبهه نبرد علیه سرمایه یاری رساند .

بنا بر شرایط عینی و با توجه به پراکندگیهای موجود و تجربیات زیسته، نیاز طبقه کارگر به داشتن حزبی انقلابی از یکسو و ایجاد جبهه واحد مبارزه علیه تعرضات سرمایه داری و سازماندهی مبارزه تهاجمی علیه آن از سوی دیگر را به امری اجتناب ناپذیر تبدیل کرده است.

زیر نویس (۱) راه کارما برای وحدت های حزبی و پایه نظری و پلاتفرم عملی این جبهه و نیز اتحاد فراگیر نیروهای طرفدار سوسیالیسم، طبقه کارگر و زحمتکشانشان جامعه در اسناد برنامه ای و قطعنامه های مصوب در کنگره های قبلی پیشنهاد شده است.